صفحه‌آرا: رهام بهزادی

حادثه

سرقت وحشیانه به بهانه پخش نذری

سارق سابقه‌داری که به بهانه پخش نذری وارد خانه‌ای شده و دست به سرقت زده بود دستگیر شد. این متهم که ۴۰ فقره سابقه سرقت دارد، به بهانه توزیع نذری وارد خانه‌ای شده بود و بعد از بستن دست و پای صاحبخانه، ۴۰ میلیون تومان پول و یک تلفن همراه سرقت کرده بود که با تلاش پلیس دستگیر شد.

انتظامی

شهادت ۲ پلیس در حمله تروریستی

تروریست‌های مسلح با حمله به گشت پلیس در شهرستان بمپور ۲ نفر از مأموران را به شهادت رساندند. این حمله تروریستی روز گذشته و زمانی رقم خورد که گروهی از مأموران پاسگاه نوکجوی در محور بمپور به ایرانشهر در حال گشتزنی بودند. تحقیقات برای دستگیری عاملان این حمله تروریستی آغاز شده است.

جنایی

ارثیه خونین









فریبا لیان جنایت

داماد خانواده که به‌دلیل اختلافات خانوادگی بر سر ارثیه، برادرزنش را به همراه همسر و ۲فرزند او به قتل رسانده بود، به زندگی خود پایان داد. به گزارش همشهری، چند روز پیش جنایت هولناکی در روستای ملایوسف از توابع شهرستان مرند در آذربایجان شرقی رخ داد. جنایت در خانه یکی از اهالی روستا که مردی میانسال بود رخ داده و این مرد به همراه همسر، دختر و پسرش، همگی به ضرب گلوله به قتل رسیده بودند. هرچند عامل جنایت گریخته بود اما راننده نیسانی که در آن نزدیکی حضور داشت، دیده بود که داماد خانواده درحالی‌که عصبانی به‌نظر می‌رسید، وارد این خانه شده و پس از جنایت از آنجا گریخته بود. در ادامه معلوم شد که داماد خانواده از مدت‌ها قبل با برادرزنش بر سر ارثیه اختلاف داشته است. آنطور که بررسی‌ها نشان می‌داد، پدر زن قاتل فردی ثروتمند بود که پس از مرگش، بیشتر اموالش به پسرش و یکی از دخترانش رسیده بود. این در حالی بود که دختر دیگر او مدعی بود که سهم بسیار کمتری گرفته است. شوهر این دختر(قاتل) نیز بر سر این مسئله با برادرزنش اختلاف داشت و تصور می‌کرد که برادرزنش باعث شده که همسرش از ارثیه خانوادگی‌شان سهمی نبرد. این اختلافات آنقدر ادامه داشت که در نهایت داماد خانواده با تهیه یک قبضه کلت کمری راهی خانه برادرزنش شد و این مرد را به همراه همسر و فرزندانش به قتل رساند و متواری شد. با این اطلاعات، تحقیقات برای دستگیری قاتل آغاز شد اما مرد جوان بدون برجا گذاشتن ردی از خودش، متواری شده بود. تا اینکه حدود ۲۴ساعت پس از جنایت به پلیس خبر رسید که مرد جوانی در خانه‌ای در یکی از روستاهای مرند به زندگی خودش پایان داده است. مأموران به سرعت راهی این محل شدند و پس از ورود به آنجا متوجه شدند این مرد کسی جز داماد تحت تعقیب نیست که با شلیک گلوله، اقدام به‌خودکشی کرده است. تحقیقات درباره این پرونده ادامه دارد.

رؤیای سارقی که به خانه دیپلمات فیلیپینی دستبرد زد رنگ باخت

سرقت ساعت ۵میلیاردی از خانه سفیر

گزارش

الهه فراهانی | روزنامه‌نگار |

مجرم سابقه‌داری که تنها چند روز پس از استخدام در خانه سفیر فیلیپین، ساعت مچی برلیان ۵میلیارد تومانی و روکش‌های طلای کلید و پریزها را به سرقت برده بود، در عملیات ضربتی پلیس تهران به دام افتاد.



به گزارش همشهری، ظهر دوازدهم مهرماه، گزارش سرقت میلیاردی از خانه سفیر فیلیپین در سعادت‌آباد به مأموران کلانتری شهرک غرب اعلام شد. با حضور مأموران در محل و آغاز بررسی‌های تخصصی، مشخص شد منزل مسکونی آقای سفیر هدف دستبرد قرار گرفته و یک ساعت مچی برلیان به ارزش تقریبی ۵ میلیارد تومان همراه با برخی اشیای قیمتی دیگر به سرقت رفته است.

۶ساعت بعد

بررسی‌ها نشان داد مردی ۴۲ ساله که به همراه همسرش برای سرایداری و همچنین پرستاری از فرزند خردسال سفیر استخدام شده بود، با سوءاستفاده از اعتماد صاحبخانه، دست به سرقت زده و متواری شده است. در این شرایط تیم ویژه مبارزه با سرقت بلافاصله مخفیگاه متهم را در شهرستان اسلامشهر شناسایی کرد و کمتر از ۶ ساعت پس از وقوع جرم، وی را به همراه اموال مسروقه به دام انداخت.

حقوق ماهانه ۵۰۰دلار

صبح دیروز سرهنگ مهدی افشار، سرکلانتر دوم پلیس پیشگیری پایتخت، در جمع خبرنگاران حاضر شد و درباره جزئیات این پرونده گفت: متهم و همسرش پس از دیدن آگهی اینترنتی استخدام سرایدار شبانه‌روزی با وعده حقوق ماهانه ۵۰۰ دلار وارد عمارت دیپلماتیک شده بودند اما متهم بدون تحویل گواهی عدم‌سوءپیشینه و پیش از استعلام سوابقش، دست به این سرقت بزرگ زد. وی ادامه داد: این مجرم سابقه‌دار که اعتیاد به تریاک دارد، در شهریور ۱۴۰۲ نیز به جرم سرقت از یک باشگاه ورزشی ۶ماه حبس تحمل کرده و سابقه‌دار است. سرهنگ افشار تأکید کرد: متهم پس از تشکیل پرونده برای ادامه روند قانونی در اختیار مرجع قضایی قرار گرفته است.

گفت و گو

متهم: فرصت طلایی‌ام را سوزاندم!

خالکوبی‌های کم‌رنگ و کهنه روی دست‌های سارق خانه آقای سفیر، حکایت سال‌های زیادی است که او گرفتار خلاف است. او حالا با حسرت می‌گوید: «بنویسید بازنده‌ای هستم که همه فرصت‌هایش را سوزانده است.» گفت‌وگو با این سارق سابقه‌دار را بخوانید.

چطور پایت به خانه سفیر فیلیپین باز شد؟

کارگر میدان میوه و تره‌بار بودم و اجاره‌خانه‌ام در حاشیه شهر سر به فلک کشیده بود. صاحبخانه حکم تخلیه گرفت و پول پیش نداشتیم. همسرم شروع کرد در سایت‌های اینترنتی دنبال کار سرایداری گشتن تا سقفی بالای سرمان داشته باشیم. به آگهی پرستاری از فرزند سفیر رسیدیم. برای مصاحبه رفتیم خانه سفیر در سعادت‌آباد که قبول‌مان کردند. من کارهای نظافت و خرید را انجام می‌دادم و همسرم آشپزی و از دختر یک‌ساله سفیر مراقبت می‌کرد.

در آمدت چقدر بود؟

ماهی ۵۰۰ دلار. به پول خودمان نزدیک ۱۲۰میلیون تومان می‌شد. جا و مکان رایگان، غذا، احترام و حقوق دلاری. زندگی ما از فرش به عرش رسیده بود. اما طمع و کم‌عقلی نابودم کرد. بی‌آنکه به عواقبش فکر کنم، وسوسه دزدی به جانم افتاد.

ماجرای دزدی چه بود؟

چند روز بیشتر نبود که آنجا بودیم. داشتم اتاق اختصاصی آقای سفیر را تمیز و گردگیری می‌کردم که نگاهم به یک ساعت مچی افتاد؛ صفحه‌اش پر از نگین برلیان و تمام طلا بود. برقش کورم کرد و وسوسه افتاد به جانم. با خودم گفتم اگر این را بردارم، زندگی‌ام تا آخر عمر تضمین است. البته ماجرا به اینجا ختم نشد، آن‌قدر طمع داشتم که حتی روکش‌های طلایی دور کلید و پریزهای برق سالن را هم باز کردم و گذاشتم جیبم.

همسرت فهمید چه کار کردی؟

نه اصلا. روحش هم خبر نداشت. اگر می‌فهمید جلوی من را می‌گرفت. وقتی همه حواس‌ها پرت بود، با اموال مسروقه زدم بیرون. رفتم سمت اسلامشهر که ساکم را ببندم و بروم سمت شهرهای غربی کشور. می‌خواستم آنجا آبش کنم و زندگی جدید بسازم.

فکر می‌کردی ظرف ۶ ساعت دستگیر شوی؟

نه اصلا. من خیلی مرد بدشانسی هستم!

سابقه هم داری؟

سال ۱۴۰۲ در یک باشگاه ورزشی در خیابان هنگام کار می‌کردم. به تدریج حدود ۱۰۰ میلیون تومان از وسایل باشگاه را دزدیدم. گیر افتادم و ۶ماه رفتم قزل‌حصار. عید ۱۴۰۳ آزاد شدم؛ باور کنید توبه کرده بودم، اما مواد و طمع عقلم را دزدید، چون معتاد به تریاک هستم.

روی دستت جای تتوهای قدیمی است، برای چه دورانی است؟

برای سال‌ها خامی و نادانی است. فکر می‌کردم اگر تتو داشته باشم خفن می‌شوم و همه از من حساب می‌برند. همیشه دلم می‌خواست آدم گنده‌ای باشم، اما آخرش شدم یک دزد بی‌آبرو.

خودت هم بچه داری؟

یک دختر دارم که ازدواج کرده است. آبروی او و همسرم را هم بردم. ۲۱ سال آزگار همسرم با بی‌پولی‌ام ساخت، حالا هم که او را در این شرایط گرفتار کرده‌ام، خجالت می‌کشم به چشمانش نگاه کنم.

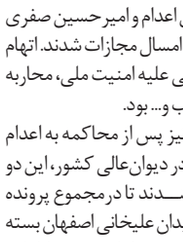
حرف آخر؟

آقای سفیر فرصتی به من داد که خوابش را هم نمی‌دیدم؛ فرصت طلایی، حقوق خوب، جای خوب و احترام. اما من بی‌عرضه‌ترین آدم روی زمینم. مقصر فقط طمع خودم بود؛ همه‌چیز را باختم....



رویداد

اعدام عاملان جنایت اصفهان





۲نفر دیگر از عاملان جنایت در میدان علیخانی اصفهان که در شهادت ۴نیروی فراجا دست‌داشتند به دار مجازات آویخته شدند. به گزارش همشهری، در جریان درگیری‌های ۱۸دی‌ماه سال گذشته در میدان علیخانی اصفهان آشوبگران به مکان‌های عمومی حمله کردند و ضمن وارد کردن خسارت با مأموران نیز درگیر شدند. در این درگیری ۴نفر از مأموران پلیس به طرز فجیعی به شهادت رسیدند و پیکر شماری از آنها به آتش کشیده شد. علیرضا سپاهی و علیرضا رئیسی ۲نفر از عاملان این جنایت بودند. آنها با در اختیار داشتن سلاح گرم و انواع سلاح‌های سرد از جمله قمه، چاقو، تبر و قداره و همچنین مواد آتش‌زا و کوکتل مولوتوف، ضمن تخریب گسترده اموال عمومی و خصوصی، به مردم و نیروهای حافظ امنیت حمله و با آتش‌زدن ساختمان‌ها، کلانتری و اماکن عمومی، فضای منطقه را به صحنه‌ای از رعب و ناامنی تبدیل کردند. از سپاهی به‌عنوان مهم‌ترین فرد این پرونده یاد می‌شود؛ کسی که با فندک پیکر نیمه‌جان مأمور انتظامی را به آتش کشید و درحالی‌که او هنوز زنده بود دست به جنایت هولناک زد. براساس شواهد به‌دست آمده عاملان جنایت ۳ساعت مشغول هتک حرمت، رقص و پایکوبی بر پیکر شهدا بودند.

پیش از این عرفان اسفندیاری و گل‌محمد محمدی ۲نفر دیگر از متهمان این پرونده تیرماه امسال اعدام و امیرحسین صفری و ابوالفضل سپاهی نیز در مردادماه امسال مجازات شدند. اتهام این افراد عضویت در گروه‌های یاغی علیه امنیت ملی، محاربه از طریق کشیدن سلاح و ایجاد رعب و... بود.

علیرضا سپاهی و علیرضا رئیسی نیز پس از محاکمه به اعدام محکوم شدند که با تأیید این رأی در دیوان‌عالی کشور، این دو محکوم نیز صبح سه‌شنبه اعدام شدند تا در مجموع پرونده زندگی ۶نفر از عاملان جنایت در میدان علیخانی اصفهان بسته شود. سپاهی در حالی اعدام شد که پیش از این به دروغ اعلام شده بود که او پیش از اجرای حکم اعدام دچار سکته قلبی و راهی بیمارستان شده است.

صفحه‌آرا: بهروز قلی‌پور

محیط‌زیست

۶۰درصد پست‌های محیط‌بانی خالی است

شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور: به‌طور متوسط ۵۰درصد پست‌های سازمانی ما خالی است و این رقم در محیط‌بانی به ۶۰درصد می‌رسد. با تصویب سند نیروی انسانی، امسال جذب ۴۸۰نفر در دستور کار قرار دارد که بخشی از این خلأ جبران خواهد شد.





۳/۲ میلیارد مترمکعب از حقابه دریاچه ارومیه تامین شد

حجت جباری، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست آذربایجان غربی: در سال آبی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ بیش از ۳/۲ میلیارد مترمکعب حقابه زیست‌محیطی دریاچه ارومیه تامین شد و بیش از ۵۰ میلیون مترمکعب نیز به تالاب‌های اقماری این دریاچه اختصاص یافت.



کوتاه‌تر از گزارش

چشم بازارهای عربی به پرندگان شکاری ایران

با آغاز فصل مهاجرت پاییزی پرندگان، نگرانی‌ها درباره افزایش صید و قاچاق پرندگان شکاری نیز بیشتر شده است؛ پرندگانی که در رأس زنجیره غذایی قرار دارند و کاهش جمعیت آنها می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای اکوسیستم‌ها به همراه داشته باشد. عضو کمیته ملی پرندگان شکاری سازمان حفاظت محیط‌زیست به همشهری می‌گوید: قاچاق پرندگان شکاری در ایران ۲بخش دارد. بخشی از پرندگانی که کشف و ضبط می‌شوند، متعلق به ایران نیستند و از کشورهای افغانستان، پاکستان و برخی کشورهای آسیای میانه وارد کشور و از مسیر ایران به سمت کشورهای حاشیه خلیج‌فارس قاچاق می‌شوند. علیرضا هاشمی، بخش مهم‌تر ماجرا را صید و برداشت پرندگان شکاری در داخل کشور عنوان می‌کند: یکی از مهم‌ترین تهدیدها، برداشت جوجه‌ها از لانه در فصل زادآوری است که بیشتر در بهار و تابستان رخ می‌دهد و به جمعیت گونه‌های بومی آسیب جدی وارد می‌کند. او با بیان اینکه این تخلف فقط به شاهین‌ها محدود نمی‌شود و متخلفان، جوجه عقاب‌ها، قرقی‌ها، ترلان‌ها و حتی برخی گونه‌های دیگر را نیز از لانه خارج می‌کنند، می‌افزاید: بسیاری از این پرندگان اساسا ارزش تجاری ندارند، اما به امید فروش، از طبیعت جدا می‌شوند. پرندگانی که از سنین پایین از طبیعت جدا می‌شوند، حتی در صورت نگهداری مناسب نیز شانس کمی برای بازگشت موفق به طبیعت دارند؛ زیرا آموزش‌های لازم برای بقا را از والدین خود دریافت نکرده‌اند. این کارشناس حیات‌وحش درباره علت افزایش قاچاق در نیمه دوم سال توضیح می‌دهد: در فصل پاییز، جمعیت بزرگی از پرندگان شکاری از عرض‌های شمالی زمین به سمت مناطق جنوبی‌تر و آفریقا مهاجرت می‌کنند. ایران نیز در یکی از مسیرهای مهم این مهاجرت قرار دارد. پرندگان شکاری برخلاف بسیاری از پرندگان مهاجر، شب‌ها پرواز نمی‌کنند و روزها ضمن مهاجرت به تغذیه می‌پردازند. همین موضوع باعث می‌شود در طول مسیر بیشتر در معرض صید قرار بگیرند. عضو کمیته ملی پرندگان شکاری سازمان حفاظت محیط‌زیست تأکید می‌کند: بیشترین فشار صید و قاچاق روی گونه‌های مختلف شاهین وارد می‌شود؛ زیرا برای استفاده در سنت بازداری یا شاهین‌بازی در برخی کشورهای عربی تقاضای بالایی دارند. همین بهره‌برداری تجاری و قاچاق پرندگان، بقای گونه‌ها را با خطر روبه‌رو کرده است.

راز ۱۸۰ ساله چهارراه شهدا

چهارراه شهدای بابل، یادی از یک درگیری تاریخی، یک گورستان و اتفاقی نهفته است که حدود ۲ قرن پیش رخ داد

گزارش

مجید جباری | روزنامه نگار | نامگذاری «شهدا» بر معابر، میادین و چهارراه‌ها ممکن است این تصور را ایجاد کند که این عنوان پس از انقلاب اسلامی و به یاد شهدای دفاع‌مقدس انتخاب شده اما چهارراه شهدا در بابل حدود ۱۸۰سال است که با این نام شناخته می‌شود و ریشه این نامگذاری به رویدادهای دوره قاجار بازمی‌گردد.



حامد ابراهیم‌زاده‌بازگیر
پژوهشگر تاریخ مازندران:
یک وقف‌نامه موجود در اداره اوقاف شهرستان بابل نشان می‌دهد عنوان «شهدا» سال‌ها پیش از انقلاب برای این محدوده استفاده می‌شده است.



حسین ایزدی
مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان مازندران:
نام شهدا که پیش از انقلاب وجود داشته، در سال‌های پس از انقلاب نیز با کارکردی تازه در زندگی اجتماعی شهر ادامه پیدا کرده است.



چهارراه شهدای بابل ـ سال ۱۳۰۷

شروع درگیری و اصل ماجرا

یک پژوهشگر تاریخ مازندران در این‌باره می‌گوید: حدود ۱۸۰ سال پیش در این محدوده که آن زمان گورستان شهر بود، میان سعیدالعلما و مریدان محمدعلی بارفروشی درگیری رخ داد و تعدادی از یاران سعیدالعلما در این درگیری شهید و در همین مکان به خاک سپرده شدند. از آن زمان این محل به «شهدا» معروف شد و این نام در گذر زمان باقی ماند. حامد ابراهیم‌زاده بازگیر، برای تأیید قدمت این نام به یک وقف‌نامه موجود در اداره اوقاف شهرستان بابل اشاره می‌کند و می‌افزاید: این وقف‌نامه از «امامزاده عبدالله مشهور به شهدا» نام برده است؛ سندی که نشان می‌دهد عنوان «شهدا» سال‌ها پیش از انقلاب برای این محدوده استفاده می‌شده است. واقف این موقوفه، خواجه محمدحسین، فرزند خواجه منصور روگر، بخشی از زمین خود را وقف کرده و در وقف‌نامه شرط شده است عواید آن صرف طلاب علوم دینی مدرسه روحیه بارفروش شود. این مدرسه در جوار امامزاده عبدالله قرار داشته است. به‌گفته بازگیر، وجود همین وقف‌نامه در کنار دیگر اسناد و تصاویر تاریخی بخشی از شواهد قدمت نام «شهدا» در بابل است. این پژوهشگر تاریخ مازندران همچنین به امامزاده عبدالله اشاره می‌کند و می‌گوید: این امامزاده در گذشته در همین محدوده قرار داشته است. تصویری از این امامزاده در کتاب عکس‌های تاریخی بابل وجود دارد که مربوط به سال‌های دوره رضاشاه است. بازگیر می‌گوید: امامزاده عبدالله سال ۱۳۱۲ خورشیدی و در جریان تعریض خیابان بازار تخریب شد اما عنوان «شهدا» برای این محدوده باقی ماند.

ثبت ملی چهارراه شهدای بابل

مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان مازندران نیز می‌گوید: پیشینه چهارراه شهدا در بابل به سال‌های پیش از انقلاب بازمی‌گردد. این عنوان به یک رویداد تاریخی دوره قاجار و درگیری میان سعیدالعلما و هواداران محمدعلی بارفروشی، از پیروان یک فرقه، مربوط است.

حسین ایزدی در گفت‌وگو با همشهری با اشاره به اهمیت تاریخی این مکان تصریح می‌کند: چهارراه شهدا در بابل به‌عنوان یک میراث معنوی نیز به ثبت ملی رسیده است. ایزدی همچنین به‌وجود تندیس سعیدالعلما در این محدوده اشاره می‌کند و می‌گوید: این تندیس یادآور همان رویداد تاریخی است. چهارراه شهدا امروز یکی از شناخته‌شده‌ترین مناطق شهر بابل است و نام آن از یک رویداد تاریخی در دوره قاجار به جا مانده و حالا بعد از حدود ۱۸۰ سال، مردم این منطقه را با همان نام چهارراه شهدا می‌شناسند.

او تصریح می‌کند: این مکان پس از انقلاب جایگاه خود را در مناسبت‌های شهری حفظ کرده و به محل تشییع و بدرقه شهدای بابل تبدیل شده است؛ بنابراین نام شهدا که پیش از انقلاب وجود داشته، در سال‌های پس از انقلاب نیز با کارکردی تازه در زندگی اجتماعی شهر ادامه پیدا کرده است.

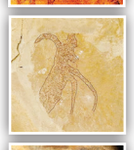


میراث

محمود مولایی؛ روزنامه‌نگار

نقش‌های ۹هزار ساله میرملاس







۹هزار سال، نزدیک‌ترین برآورد احتمالی برای قدمت نقاشی‌هایی است که بر صخره‌های میرملاس لرستان باقی مانده‌اند؛ تصاویری از انسان‌ها، حیوانات و نقش‌های هندسی که بخشی از میراث تصویری پیشاتاریخی ایران را شکل می‌دهند و هنوز تاریخ‌گذاری مستقیم نشده‌اند. این نقش‌ها در غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای اطراف کوهدشت روایتی خاموش از زندگی انسان در هزاران سال پیش را پیش روی گردشگران و علاقه‌مندان به میراث فرهنگی می‌گذارند.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی لرستان با بیان اینکه این آثار در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی از سوی مردم محلی به مدیرکل وقت فرهنگ و هنر معرفی و موضوع بلافاصله به مرکز باستان‌شناسی اطلاع داده شد، به همشهری می‌گوید: «نخستین بازدید علمی از این نقاشی‌ها توسط کلر گاف، باستان‌شناس انگلیسی به همراه حمید ایزدپناه، پژوهشگر و لرستان‌شناس انجام شد.» عطا حسن‌پور که خود باستان‌شناس است، توضیح می‌دهد: «چند سال بعد از آن پروفسور مک‌برنی، باستان‌شناس دانشگاه کمبریج که پیش‌تر در خراسان مشغول پژوهش بود، به لرستان آمد و در محوطه‌های میرملاس و هومیان به کاوش پرداخت. این مطالعات به شناخت بیشتر انسان پیش از تاریخ در منطقه کمک کرد.» او با اشاره به یافته‌های محوطه هومیان عنوان می‌کند: «روی بخشی از استخوان به‌دست‌آمده از لایه نخست این محوطه، آزمایش اورانیوم انجام و قدمت آن حدود ۱۴۸ هزار سال تعیین شد. این تاریخ‌گذاری مربوط به استخوان است و ارتباط مستقیمی با نقاشی‌های میرملاس ندارد.» مدیرکل میراث فرهنگی لرستان درباره قدمت نقاشی‌ها تأکید می‌کند: «تاکنون تاریخ‌گذاری مستقیمی روی خود نقاشی‌های میرملاس انجام نشده است. با این حال، قطعه‌ای از صخره دارای نقاشی از بالا سقوط کرده و در لایه‌ای مربوط به دوره نوسنگی کشف شده است. بر این اساس، نزدیک‌ترین تاریخ احتمالی برای این نقاشی‌ها حدود ۹ هزار سال است اما برای تعیین قدمت قطعی آنها به آزمایش‌های مستقیم نیاز است.»

عطا حسن‌پور درباره ویژگی این آثار توضیح می‌دهد: «نقاشی‌ها با رنگ‌های قرمز و سیاه ترسیم شده‌اند و برخی از آنها حالت تجریدی و برخی دیگر شکل‌هایی شبیه نقش‌های کلیشه‌ای دارند. تصاویر گوزن یا مارال نیز در میان آنها دیده می‌شود. رنگ قرمز احتمالا از خاک سرخ منطقه تهیه شده و استفاده از چربی حیوانات و شیره درختانی مانند پسته وحشی و بنه توانسته به ماندگاری رنگ‌ها کمک کند.»